تبیین جامعه‌شناختی تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای نوین شبه‌دینی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان استان آذربایجان‌شرقی)

دکتر کمال کوهی[1]

چکیده

یکی از مهم‌ترین عواملی که در دهه‌های اخیر بنیان جامعه و باورهای مردم به‌ویژه جوانان را تهدید می‌کند، جنبشهای نوین شبه‌دینی است. از این رو، در پژوهش حاضر میزان تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای نوین شبه‌دینی و عوامل مرتبط با آن بررسی شده است. تحقیق حاضر پژوهشی کمّی است و اطلاعات نیز به روش پیمایشی گردآوری شده است. جامعهٔ آماری پژوهش دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه آذربایجان‌شرقی بوده که از میان آنها ۵۷۰ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شده اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده که حاوی روایی صوری و پایایی بالای ۰/۸ می‌باشند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS ۲۴ و LISREL ۸/۸ استفاده شده است. براساس یافته‌های توصیفی پژوهش، از هر صد دانش‌آموز ۲۵ نفرشان به جنبشهای نوین شبه‌دینی تمایل نشان داده‌اند. بالاترین میزان تمایل به ترتیب به سای‌بابا و اکنکار و پایین‌ترین میزان تمایل نیز به پائولو کوئلیو و کاستاندا تعلق دارد. نتایج تحقیق نشان داد که میزان دینداری، میزان شناخت از جنبشها، کیفیت‌گذران اوقات‌فراغت و میزان اعتقاد به سحر و جادو تأثیری معنادار بر تمایل دانش‌آموزان به چنین جنبشهایی داشته است. از میان متغیرهای تأثیرگذار، میزان دینداری و کیفیت گذران اوقات‌فراغت، نقشی کاهنده و پیشگیری‌کننده و میزان شناخت و اعتقاد به سحر و جادو نقشی افزایشی و ترغیب کننده در تمایل به جنبشهای نوین شبه‌دینی دارند.

کلیدواژگان: جنبشهای شبه‌دینی، سای‌بابا، اکنکار، پائولو کوئلیو، کاستاندا، شیطان‌پرستی

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۸ تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۴

۱. دانشیار جامعه‌شناسی موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) k.koohi@tabrizu.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

مقدمه و بیان مسئله

در عصر حاضر، جوامع انسانی افزون‌بر گرفتاریهای زندگی و چالشهای فرهنگی و سیاسی، با پدیده‌های نوظهور شبه‌دینی[1] و عرفانی مواجه شده که تضادهای اجتماعی و خانوادگی جدیدی ایجاد کرده اند. این جنبشهای نوین شبه‌دینی یکی از پیامدهای اساسی مدرنیته در کشورهای غربی است. تکیه بیش از حد به علوم تجربی، انسان‌گرایی، مادی‌گرایی و فردگرایی در پروژه مدرنیته تا آنجایی پیش‌رفته که برخی از کشورها را از معنویت، مذهب و عرفانهای متکی بر ادیان الهی دور ساخته و نهایتاً بحران معنویت و معنا را به ارمغان آورده است. جنبشهای دینی نوین، افراط‌گراییهای دینی به اشکال گوناگون، تلاشهای مبتنی بر وحدت ادیان، هماهنگیهای تنگاتنگ میان ادیان، دین‌گراییهای سکولار، مرزهای غیرثابت میان دین و درمان‌کاوی(یعنی ادیان به همان صورتی که شما میل دارید) پدیده‌هایی هستند که امروزه برای مطالعه جامعه‌شناسان ادیان مناسب اند(ویلم، ۱۳۸۲).

ظهور قارچ‌گونه فرقه‌های شبه‌دینی و نحله‌های عرفانی به حدی است که گفته می‌شود در نیم قرن اخیر ۱۷۳ دین و به نقلی دویست آیین در طول ۲۵ سال اخیر در سراسر جهان اسلام تأسیس شده است و در کشورهای غربی نیز متجاوز از ۷۰۰ فرقه رخ گشوده‌اند و بیش از هزار دین و مسلک در ایالات متحده آمریکا هم اکنون فعالیت می‌کنند(شریعتی‌سبزواری، ۱۳۸۹).

دانشمندان شناخت انسان اعم از انسان‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ... برای انسان، نیازهای متعدد و گاه بی‌انتها ذکر کرده‌اند. نیاز به تغذیه، مسکن، پوشاک، آموزش و پرورش، کسب تجارب جدید، کشف عرصه‌های نوین زندگی، خلق آثار هنری و ... از جمله مهم‌ترین این نیازهای بی‌شمارند(هریس، ۱۳۶۹). طبق نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، افرادی که نیاز به امنیت و تازگی (کنجکاوی، کشف و تجربه عرصه‌های جدید زندگی) خود را در یک سطح مطلوب پاسخ داده‌اند، شکافی عمیق در زندگی خود احساس می‌کنند که تنها با یافتن معنایی برای کلّیت زندگی می‌توانند از آن رهایی یابند (هجل و زیگلر، ۱۳۷۹). در واقع بازیابی این معنا، یکی از دلایل اساسی گرایش این افراد به نظامهای اعتقادی معنوی است که تفسیری خاص از جهان، انسان و فلسفه زندگی ارائه می‌دهند.

---

۱. این جنبشها چون ویژگیهای دینی دارند، پسوند دین را یدک می‌کشند. اما از آن نظر که جهان‌بینی جامع و لازم برای ادعای دینداری را ندارند، اصطلاح شبه‌دینی برای آنها به کار می‌رود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

رشد سریع جنبشهای نوظهور دینی در دنیا و نیز در ایران امری است که کمتر مورد توجه مسئولان و نهادهای آموزشی و فرهنگی جامعه قرار گرفته است. مطلبی که در زمینهٔ این جنبشهای نوین شبه‌دینی حائز اهمیت است کاهش سن گرایش به آنهاست. بررسیهای مقدماتی نشان می‌دهند که حساسیت متولیان آموزش و پرورش در زمینه ترویج عرفانهای کاذب چندان زیاد نیست. این حساسیت باید در سطح متولیان آموزش و پرورش بیشتر شود؛ هرچند زحماتی کشیده می‌شود اما در این زمینه نیاز به حساسیت و دقت نظری بیشتر احساس می‌شود.

پژوهشهایی که در ایران در زمینهٔ جریانهای نوین شبه‌دینی انجام شده اغلب به صورت نظری است و کمتر پژوهش تجربی در این زمینه انجام شده است. با توجه به شرایط متفاوت اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه ایرانی در مقایسه با جوامع غربی نمی‌توان نتایج و دلالتهای پژوهشهای انجام شده را در این کشورها بی‌کم و کاست و بدون توجه به این تفاوتها پذیرا شد. بدیهی است که انجام دادن پژوهشهای تجربی در زمینه جنبشهای نوین شبه‌دینی در ایران با فراهم آوردن شرایط تطبیق و مقایسه، می‌تواند امکان بسط دانش نظری و غنی‌سازی تجارب پژوهشی را در این حوزه فراهم نماید. از این رو پژوهش حاضر با هدف شناخت میزان تمایل به جنبشهای نوین شبه‌دینی در میان دانش‌آموزان استان آذربایجان‌شرقی و عوامل مرتبط با آن انجام شده است. در همین راستا، تبیینهای نظری و تجربی گوناگون در زمینه تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی نوین انجام شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

در ابتدای قرن بیستم ماکس وبر از ناکامی و سرخوردگی جهان می‌گوید و جنبش نهیلیسم به معنای نفی اعتقادات و بینشهای متعالی قدم به عرصه وجود می‌نهد و به موازات تجدد، اصل مادی‌گرایی در تمام جنبه‌های زندگی اصالت پیدا می‌کند و بحران دین‌زدایی را به ارمغان می‌آورد. از جمله تبعات آن می‌توان به جدایی و دور شدن انسان از خدا، از طبیعت و بحران محیط زیست اشاره کرد. از دیگر مشخصه‌های بحرانی دوران مدرن، رشد سریع فردگرایی و فقدان سیستم ارزشهای جمعی برای ضمانت همبستگی اجتماعی است(لوتران، ۱۳۷۲).

گیدنز معتقد است که با دگرگون شدن شکل مذهب، هنوز مذاهب به شکلی دیگر در عرصه‌های متفاوت نمود دارند و منقرض نشده‌اند. در عصر حاضر با تنوع مذهبی و جهانی‌شدن مذهب و جنبشهای جدید مذهبی روبه‌رو هستیم که به چندگانگی مذهبی معروف شده اند (گیدنز،۱۳۸۶).

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

پارسونز[1](۱۹۶۴) و رابرت بلا[2](۱۹۷۰) سکولاریزاسیون را به منزلهٔ بخشی از پیچیدگیهای فرآیند جوامع صنعتی مدرن تلقی می‌کنند. مذهب در این دوره در هر دو بعد از عقاید فردی و نهادی با تمایز[3] مواجه شده است(رابرتز[4]،۱۹۹۰). پارسونز معتقد است که در یک ساخت اجتماعی تمایزیافته، اعمال، ارزشها و هنجارهای نهاد دین صرفاً به صورت غیرمستقیم به دیگر نهادها، مانند اقتصاد، آموزش و اوقات فراغت منتقل می‌گردد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۱). پارسونز معتقد است که دین هرگز محو نمی‌شود، بلکه به عرصه‌های خصوصی‌تر زندگی رانده می‌شود.

لاکمن[5] (۱۹۶۷) مخالف نظریه محو و افول دین بوده و به نظریه تغییر و انتقال معتقد است. لاکمن اعتقاد دارد که اثرات قدیمی مذهب نهادی شده رو به کاهش و افول است، اما آن بدین مفهوم نیست که مذهب از میان می‌رود، بلکه گروههایی جدید ایجاد می‌شوند و دین حالت خصوصی پیدا می‌کند(گورسکی[6]،۲۰۰۰).

وبر به طور مشخصی در اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری از سکولاریزاسیون بحث می‌کند و مفاهیمی چون عقلانیت هدفمند، بوروکراسی، سحرزدایی یا افسون‌زدایی را در این زمینه به خدمت می‌گیرد(وبر،۱۳۸۲). در تحلیل وبر سکولاریزاسیون به معنای غلبه و حاکمیت عقلانیت هدفمند به جای عقلانیت ارزشی است و مدرنیته چیزی جز غلبه و حاکمیت همین عقلانیت هدفمند و صورتهای گوناگون آن نیست(یزدانی‌مقدم،۱۳۸۴). وبر مانند کنت معتقد است که عقلانیت و افسون‌زدایی از دین سبب می‌شود که دین نفوذ خود را از دست بدهد و افول کند(گورسکی،۲۰۰۰).

برگر(۱۹۸۰) معتقد است که بروز تکثر ادیان یکی از عوامل کلیدی در فرآیند سکولار شدن به شمار می‌آید. او می‌گوید وضعیت متکثر، جهان‌بینیهای رقیب را نسبی می‌سازد و آنها را از موقعیتهای مطلق و پایدارشان به زیر می‌آورد(مک‌گوایر[7]،۱۹۸۱). او از تکثر و تنوع نظامهای نمادین و جهان‌بینیهای رقیب در دنیای آینده که دین را به یک انتخاب در کنار انتخابهای دیگر تقلیل می‌دهد، سخن می‌گوید(سراج زاده،۱۳۸۳).

1. Parsons
2. Robert Bellah
3. Differentiated
4. Roberts
5. Luckmann
6. Gorski
7. McGuire

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

استارک و بین‌بریج[1] (۱۹۸۷)در مطالعات میدانی و مقایسه‌ای خود به این نتیجه رسیده‌اند، در جوامعی که کلیسا ضعیف بوده است کیشها و فرقه‌های آیینی نو سر بر آورده‌اند و در مناطقی که کلیساهای سنتی به نسبت مقتدر باقی مانده‌اند، فرقه‌های احیاگرانه مجال ظهور نیافته اند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۱). درنهایت، استارک و بین‌بریج به جای زوال دین از تغییر شکل و اصلاح ادیان سنتی و پدید آمدن جنبشهای دینی جدید نام می‌برند. آنها شکل‌گیری این آیینها را نه در راستای عرفی شدن بلکه در واکنش به آن و موجب وارونه‌سازی فرآیند قلمداد کرده‌اند (شجاعی‌زند،۱۳۸۱).

از نظر ملتون[2] ادیان جدید، ادیانی اصیل و معتبرند. این ادیان، برخی از واقعیتهای مهم را در مورد کلّیت جامعه بازگو می‌کنند(ملتون،۱۹۹۹). او ادیان جدید را بر اساس چرایی و چگونگی شکل‌گیری‌شان به هشت گونه ادیان قدیسی متأخر، ادیان اشتراکی، ادیان متافیزیکی تفکر جدید، ادیان روانی–روحانی، ادیان حکمت باستان، ادیان شرقی، ادیان خاورمیانه و ادیان جادویی دسته‌بندی می‌کند(هینلز،۱۳۸۶؛ طالبی و رمضانی تمیجانی،۱۳۹۵).

شفرز[3]، در توضیح چرایی پیدایش فرقه‌های مذهبی می‌گوید که بیشتر تعبیرها به این سمت گرایش دارند که بی‌روحی فرهنگی جامعه سرمایه‌داری و جهت‌گیری خدماتی جامعه صنعتی مدرن را مسئول پیدایش این جنبشها قلمداد کنند. شاید علت گرایش جوانان به این فرقه‌ها، آزادی بیش از اندازه‌ای است که آنها برای متصل شدن به این فرقه‌ها در اختیار دارند(شفرز،۱۳۸۴؛ اکبری،۱۳۹۱).

تحقیقات مستقیم و غیرمستقیم متعددی در زمینه جنبشهای شبه‌دینی در ایران و کشورهای دیگر انجام شده و هر کدام از آنها دلایلی را برای نفوذ و گسترش این جنبشها در جامعه مطرح کرده است. ریاحی و جعفری(۱۳۸۸) در پژوهشی که میان دانشجویان دانشگاه تهران انجام داده اند به این نتیجه رسیده‌اند که میزان گرایش به جنبشهای دینی‌جدید، رابطه ای معکوس و معنادار با میزان دینداری دارد. لطیفی و همکارانش(۱۳۹۲) نیز در پژوهشی نشان دادند که میان نمره هوش معنوی و گرایش به عرفان حقیقی[4] و همچنین میان هوش معنوی و آگاهی از عرفان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. هرچه میزان سن شرکت‌کنندگان افزایش یافته، گرایش آنان به عرفان حقیقی بیشتر شده و در مقابل از گرایش آنان به عرفانهای کاذب کاسته شده است.

1. Stark & Bainbridge
2. Melton
3. Scheffers

۴. لطیفی و همکارانش در برابر عرفان کاذب، عرفان حقیقی را به کار برده اند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

قنادزاده(۱۳۹۰) در پژوهش خود ادعا کرده است که پدیده‌هایی چون صنعتی شدن، مدرنیسم با همه اسباب و لوازم آن: ظهور خردگرایی، انسان گرایی، تکثرگرایی و سکولاریسم، تعاملات فرهنگی، تاثیر جامعه‌شناسان و بحث جنسیت از علل اجتماعی و همچنین تمایلات مذهبی، جستجوی هویت، تمنای رسیدن به آرامش، تنهایی و افسردگی و ارضای نیازمندیها و سبک زندگی راحت‌تر نیز از عوامل روانشناختی زمینه‌ساز گسترش جنبشهای نوین دینی بوده است. مهدی‌زاده (۱۳۸۳) نیز در تحقیق خود بیان کرده است که در عصر حاضر ساختن هویتها، دیگر نه از طریق حکومتها، نهادها و اقتدارهای فراگیر، بلکه به طرز شخصی به عهده فرد، سبک زندگی وی، معناسازی او و گاه با نمادهای منقوش بر روی بدن صورت می‌گیرد؛ این تجربه فردی و درونی عرفان، اگر با معرفت و اندیشه همراه گردد و از گفت و گوی دیگران و فرهنگها نیز بهره ببرد، می-تواند افراد را از چندپارگی شخصیت و شیزوفرنی عصر کنونی با در اختیار قرار دادن اعتماد به نفس بر آمده از بصیرت نجات دهد.

علی‌آبادی(۱۳۹۰) نیز در تحقیق خود علل گرایش نوجوانان و جوانان ایران به فرقه‌های شیطان‌پرستی را بر اثر نفوذ و ورود اندیشه‌های انحرافی و ضد دینی از طریق وسایل ارتباط جمعی چون اینترنت، تبلیغ موسیقیهای مهیج و مورد علاقه جوانان در این گروهها و بحران هویت نوجوانان و جوانان می‌داند. در همین زمینه، مظاهری‌سیف(۱۳۸۹) نشان داده است که در فرآیند تکامل شیطان‌پرستی نخستین پرده‌برداری ترویج و شیوع سحر و جادوست و پرده‌برداری پنجم، سینمای شیطانی است که ایدئولوژی شیطان‌گرایی را در سراسر جهان تبلیغ می‌کند و پرده ای جادویی را بر ذهن جهانیان انداخته است. کریمی(۱۳۸۹) در تحقیق خود ادعا کرده است که گروه کلیسای شیطان آیینی است که فلسفه لذت پرستانه را با جادوگری سیاه در هم آمیخته است.

طالبی و رمضانی تمیجانی(۱۳۹۵) در گونه‌شناسی معنویتهای جدید، معنویتهای جدید را براساس دلیل سرگرمی به سه گروه دارندگان اوقات فراغت گسترده، تمایزطلبها و جماعتهای ارائه دهنده سبک زندگی رمانتیک تقسیم‌بندی کرده اند. در گروه نخست، با کنشگرانی مواجه ایم که دارای اوقات فراغت گسترده‌اند و با رمانتیک کردن سبک زندگی خود، زندگی‌شان را تازگی می‌بخشند. این گروه از کنشگران بیشتر بر اساس مد به سمت معنویت‌گرایی جدید کشیده می‌شوند. مخاطبان رمانها و متون عرفان‌گرا چون تألیفات پائولو کوئلیو از این گروه هستند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

نتایج پژوهش کریس‌سایدز[1](۱۹۹۶، به نقل از ریاحی و جعفری،۱۳۸۸) نشان می‌دهد که فرقه‌های دینی جدید از طریق اینترنت می‌توانند صدای خود را به سراسر جهان برسانند. وی به این نتیجه رسیده است که سهولت در عضویت، عدم سخت‌گیریهای رایج در سایر ادیان رسمی و عمومیت دادن به جنبه‌های فراروانشناختی در زندگی، از مهم‌ترین دلایلی هستند که اقبال عمومی جهانی به جنبشهای نوین شبه‌دینی را به وجود آورده اند. دوکتور[2](۲۰۰۳، به نقل از ریاحی و جعفری، ۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که اغلب مسیحیانی که جذب جنبشهای دینی جدید می‌شوند، در درون این جنبشها، پاسخهایی واضح و قاطع درباره موضوعاتی مانند امور مقدس، آواز، رقص و رضایت‌مندی روحی و احساسی خود می‌یابند. وی به این نتیجه رسید که مردم در دوره‌های تغییرات فرهنگی، در پی جستجوی معنایی برای گمشده خود، به جنبشهای جدید دینی گرایش می‌یابند. این جنبشها معنویتی عرضه می‌کنند که در دنیای به شدت مادی‌گرایانه عصر جدید، راه حلی مطمئن برای بحران هویتی به وجود آمده محسوب می‌گردد. آبابو[3](۲۰۰۵) نیز در تحقیق خود ذکر کرده است که اغلب جامعه‌شناسان بر اثرات سن، جنس و نسل بر پدیده‌های مذهبی تأکید کرده اند. در همین راستا، وی پس از مطالعه در میان مراکشی‌ها دریافت که سن، نسل و جنسیت از متغیرهایی است که در اعتقادات و اعمال مذهبی اثرات مهمی دارند. روتشتاین[4](۱۹۹۶) نیز به این نتیجه دست یافته است که اغلب افرادی که به جنبشهای جدید دینی علاقه‌مند می‌شوند از جوانان طبقه متوسط و بالای جامعه بوده اند. اینووِه[5] (۲۰۰۰) در تحقیق خود به تغییرات اخیر دین در ژاپن، به ویژه در زمینه ظهور فضاهای جدید برای امور دینی اشاره کرده و استدلال می‌کند که ظهور ابعاد جدیدی از اعمال مذهبی پاسخی به جهانی شدن و صورتهای ارتباطی جدید نظیر فضای مجازی است.

آنچه از نظریه‌ها و تحقیقات انجام شده بر می آید این است که جنبشهای شبه‌دینی و میزان تمایل به آنها در جوامع ناشی از عوامل متفاوت و متعدد بوده است. بر این اساس فرضیه‌هایی برای مطالعه و بررسی تدوین شده است که عبارت اند از:

- بین میزان اعتقاد به خرافات، سحر و جادو و تمایل به جنبشهای نوین شبه‌دینی رابطه وجود دارد.

1. Chryssides
2. Doktór
3. Ababou
4. Rothstein
5. Inoue

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

- بین میزان دینداری و تمایل به جنبشهای نوین شبه‌دینی رابطه وجود دارد.
- بین میزان شناخت از جنبشهای نوین شبه‌دینی و تمایل به آنها رابطه وجود دارد.
- بین کیفیت گذران اوقات‌فراغت و تمایل به جنبشهای نوین شبه‌دینی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

روش تحقیق، جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

نوع تحقیق مبتنی بر پارادایم کمّی و روش به کار برده شده برای گردآوری داده‌ها روش پیمایشی بوده است. در این پژوهش توجه پژوهشگر به شناخت و مطالعه میزان تغییرات عوامل، اثر معناداری کنشها و واکنشهای عوامل معطوف است. این روش برای بررسی میزان تغییرات یک یا چند عامل دیگر به کار می‌رود. از این رو، برای تحلیل داده‌های گردآوری شده بوسیله پرسشنامه روش تحقیق کمّی پیمایشی به کار گرفته شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش‌آموزان دوره متوسطه آذربایجان‌شرقی تشکیل داده اند که عدهٔ آنها ۴۰۰۵۹۹ نفر است. حجم نمونه نیز براساس فرمول کوکران محاسبه شده است.

T =۱/۹۶(سطح اطمینان ۹۵ درصد) N=۴۰۰۵۹۹

P=۰/۵(احتمال وجود صفت در جامعه‌آماری q=۰/۵(احتمال عدم وجود صفت در جامعه آماری)

۰۵=(حداکثر مقدار خطای قابل قبول در این پژوهش)

$$n=\frac{NT^2pq}{Nd^2+T^2pq}==\frac{400599\times1.96^2\times0.5\times0.5}{400599\times0.05^2+1.96^2\times0.5\times0.5}=\frac{38457504}{100246}=384$$

برای افزایش دقت نمونه‌گیری و تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش، شمار نمونه‌ها تا ۵۷۰ نفر افزایش داده شده است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب توأم با نمونه‌گیری تصادفی ساده و سیتماتیک استفاده شده است. افزون بر آن، برای تحلیل داده‌ها از آماره‌ها و آزمونهای موجود در نرم افزار SPSS نسخه۲۴ به فراخور سطح اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق و برای مدلسازی نیز از نرم افزار LISREL نسخه ۸/۸ استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

۱. مقیاس تمایل به جنبشهای شبه‌دینی: هدف این مقیاس اندازه‌گیری میزان تمایل به جنبشهای نوین شبه‌دینی مانند شیطان‌پرستی، اکنکار، پائولو کوئلیو، سای‌بابا و کاستاندا است. این مقیاس محقق‌ساخته در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری با الهام گرفتن از نظریه‌ها و تحقیقات پیشین ساخته شده است. مقیاس تمایل به جنبشهای شبه‌دینی دارای ۱۵گویه است که بر اساس

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

طیف لیکرت پنج گزینه‌ای(خیلی زیاد کد ۵ و خیلی کم کد ۱) تدوین شده است. روایی صوری این مقیاس از سوی متخصص امر تأیید شده و پایایی آن ۰/۸۸ بوده است.

۲. مقیاس دینداری: این مقیاس را سراج‌زاده با الهام از الگوی گلاک[1] و استارک (۱۹۶۶)تدوین کرده است. گلاک و استارک پنج بعد (باورها، مناسک، تجربه، دانش و پیامدها) را برای دینداری در نظر گرفته اند. با توجه به ویژگیهای دین اسلام سراج زاده بعد دانش دینی گلاک و استارک را حذف کرده است و در نهایت چهار بعد از پنج بعد الگوی گلاک و استارک پس از هماهنگ‌سازی گویه‌ها با فرهنگ دینی جامعه، برای اندازه‌گیری میزان دینداری در ایران استفاده شده است(دهستانی و همکاران،۱۳۹۱). در تحقیق حاضر میزان دینداری دانش آموزان در چهار بعد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی با ۱۵ گویه مبتنی بر طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. پایایی این پرسشنامه بر اساس تکنیک کرونباخ ۰/۸۶ برآورد شده است.

۳. مقیاس میزان آگاهی از جنبشهای شبه دینی نوین: این مقیاس محقق‌ساخته بر اساس میزان آگاهی و دانش از افکار، عقاید، اعمال، رفتار، نمادها و روشهای جذب و عضوگیری این جنبشهای شبه دینی ساخته شده است. برای اندازه‌گیری میزان آگاهی از جنبشهای شبه دینی نوین از ۶ گویه استفاده شده است. این گویه‌ها در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (خیلی زیاد کد ۵ و خیلی کم کد ۱) تدوین شده اند. پایایی و روایی مقیاس بررسی و تأیید شده و میزان پایایی آن ۰/۹۱ برآورد شده است.

۴. مقیاس میزان اعتقاد به سحر، جادو و خرافات: برای اندازه‌گیری این متغیر پس از مرور مقیاسهای موجود در حوزه اعتقاد به سحر و جادو پرسشنامه محقق ساخته‌ای تنظیم شده است. این پرسشنامه شامل ۹ گویه است که در قالب طیف لیکرت پنج گزینه ای طراحی شده است. در این پرسشنامه به پاسخهای خیلی‌کم کد ۱ و خیلی‌زیاد کد ۶ تخصیص یافته است. البته برای گویه‌های منفی و با جهت معکوس عمل کدگذاری به‌عکس گویه‌های دیگر صورت گرفته است. روایی این مقیاس بر اساس نظرات صاحب نظران مرتبط بررسی شده و پایایی آن نیز ۰/۸۷برآورد شده است.

۵. مقیاس کیفیت گذران اوقات فراغت: منظور از کیفیت گذران اوقات فراغت اختصاص وقت به استراحت، تماشای تلویزیون، گوش دادن به موزیک، استفاده از اینترنت، بازیهای رایانه‌ای، پیاده‌روی، ورزش، استفاده از موبایل، گردش در خیابان، دید و بازدید، مطالعه، خواندن کتابهای

1. Glock

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

داستانی، گفتگو با خانواده، گفتگو با دوستان و خرید و خواندن کتابهای دینی متفاوت است که به صورت هفته‌ای و به ساعت اندازه‌گیری شده است.

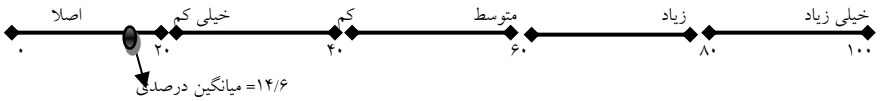
یافته‌های پژوهش

۱. یافته‌های توصیفی

بررسی شدت تمایل به جنبشهای شبه‌دینی به تفکیک هر کدام از آنها نشان می‌دهد که میانگین درصدی تمایل به پائولو کوئلیو ۱۴/۶ برآورد شده است. این میزان از تمایل بیانگر تمایل خیلی‌کم دانش‌آموزان به جنبش مذکور بوده است. میانگین میزان گرایش به شیطان‌پرستی در میان دانش‌آموزان ۲۶/۷ درصد بوده است. یعنی از هر صد دانش‌آموز تقریباً ۲۷ نفرشان تمایل به شیطان‌پرستی دارند. سای‌بابا نیز یکی دیگر از جنبشهاست که در قیاس با دو جنبش قبلی میزان گرایش به آن در میان دانش‌آموزان بیشتر بوده است. زیرا، میانگین درصدی تمایل به این جنبش شرقی ۳۵/۱ است. میزان تمایل دانش‌آموزان به اکنکار ۳۴/۸ درصد بوده است. این میزان نشان از تمایل کم دانش‌آموزان به این جنبش است. میزان گرایش به عرفان‌نمای سرخ‌پوستی کاستاندا نیز بسیار اندک بوده است. زیرا میانگین درصدی تمایل دانش‌آموزان به آن ۱۸/۴ می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت که بالاترین میزان تمایل دانش‌آموزان به ترتیب به سای‌بابا و اکنکار و پایین‌ترین میزان تمایل دانش‌آموزان نیز به فرقه پائولو کوئلیو و کاستاندا تعلق داشته است (جدول ۱). شدت تمایل به جنبشهای شبه‌دینی در پیوستارهای ۱ تا ۶ نشان داده شده است.

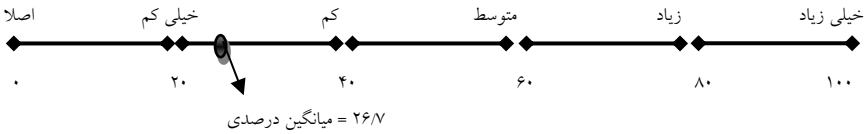
جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیر شدت تمایل به جنبشهای شبه‌دینی

آماره‌ها	پائولو کوئلیو	شیطان پرستی	سای‌بابا	اکنکار	کاستاندا	تمایل به جنبشهای نوین شبه‌دینی
تعداد مشاهدات	۵۶۹	۵۶۱	۵۵۹	۵۵۹	۵۵۶	۵۱۳
دامنه تغییرات	۱۵	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۶۵
حداقل	۰	۰	۰	۰	۰	۰
حداکثر	۱۵	۱۵	۱۵	۱۰	۱۰	۶۵
میانگین	۲/۱۹	۴/۰	۵/۲۷	۳/۴۸	۱/۸۴	۱۶/۴۴
میانگین درصدی	۱۴/۶	۲۶/۷	۳۵/۱	۳۴/۸	۱۸/۴	۲۵/۳
انحراف معیار	۳/۸	۳/۷۶	۳/۴	۲/۵۱	۲/۶۴	۱۲/۹۵

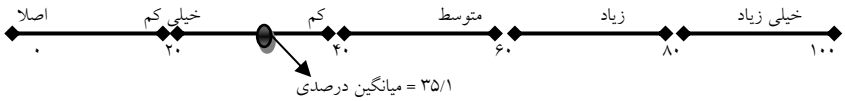


پیوستار ۱: شدت تمایل به پائولو کوئلیو

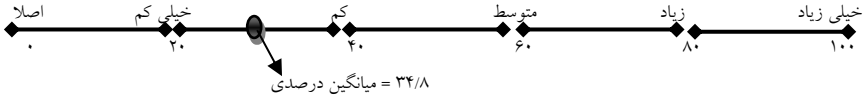
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]



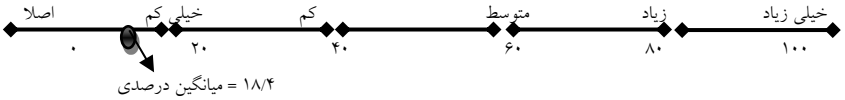
پیوستار ۲: شدت تمایل به شیطان پرستی



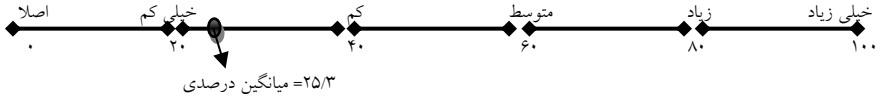
پیوستار ۳: شدت تمایل به سای‌بابا



پیوستار ۴: شدت تمایل به اکنکار



پیوستار ۵: شدت تمایل به کاستاندا



پیوستار ۶: شدت تمایل به جنبشهای نوین شبه‌دینی

یافته‌های استنباطی

۱. تحلیل همبستگی میان متغیرهای پژوهش

تحلیل همبستگی میان متغیرهای مستقل پژوهش با میزان تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای نوین شبه‌دینی نشان داد که میان میزان آگاهی دانش‌آموزان از جنبشها و میزان گرایش آنها به جنبشهای‌نوین شبه‌دینی همبستگی معنادار وجود دارد. شدت همبستگی میان دو متغیر متوسط و نوع همبستگی نیز مستقیم و مثبت بوده است. یعنی با افزایش آگاهی دانش‌آموزان از جنبشهای شبه‌دینی نوین به سبب تبلیغات آنها میزان تمایل دانش‌آموزان به چنین جنبشهای افزایش می‌یابد.

تحلیل همبستگی میان دو متغیر کیفیت گذران اوقات فراغت و میزان گرایش به جنبشهای شبه‌دینی نشان می‌دهد که میان کیفیت گذران اوقات فراغت و میزان گرایش به جنبشهای شبه‌دینی

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

شیطان‌پرستی، سای‌بابا و اکنکار همبستگی معنادار مشاهده نشده است. اما میان کیفیت گذران اوقات فراغت و میزان گرایش به جنبشهای شبه‌دینی پائولو کوئلیو و کاستاندا همبستگی معنادار وجود دارد. نوع همبستگی نیز معکوس و منفی است. به عبارت دیگر، هر گونه بهبود در کیفیت گذران اوقات فراغت منجر به کاهش گرایش دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی می‌شود. در مجموع می‌توان گفت که میان کیفیت گذران اوقات فراغت و میزان گرایش دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی رابطهٔ متقابل معکوس وجود دارد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای میزان دینداری و میزان گرایش به جنبشهای شبه‌دینی حاکی از آن است که بین میزان دینداری دانش‌آموزان و میزان گرایش آنها به جنبشهای مذکور همبستگی معکوس و منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان دینداری دانش‌آموزان، میزان گرایش آنها به جنبشهای شبه‌دینی کاهش پیدا می‌کند.

تحلیل همبستگی میان میزان اعتقاد به سحر، جادو و خرافات و میزان گرایش به جنبشهای نوین شبه‌دینی بیانگر این است که همبستگی معنادار، مستقیم و مثبتی میان متغیرهای مذکور وجود دارد. به این مفهوم که هر گونه افزایش در میزان اعتقاد به سحر و جادو و خرافات منجر به بالا رفتن میزان گرایش دانش‌آموزان به جنبشهای نوین شبه دینی می‌شود. لذا می‌توان گفت جامعه‌ای که در آن سحر و جادو و طالع‌بینی و کف‌بینی رایج باشد، جنبشهای شبه‌دینی به سادگی می‌توانند در آن گسترش یابند، زیرا یکی از اهداف چنین جنبشهایی تضعیف اعتقادات دینی مردم و ترویج خرافات در میان آنهاست. نتایج تحلیل همبستگی میان متغیرهای پژوهش با میزان تمایل به جنبشهای شبه‌دینی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل همبستگی میان متغیرهای پژوهش با میزان تمایل به جنبشهای شبه‌دینی[۱]

تمایل به فرقه‌ها		میزان آگاهی از جنبشها	اوقات فراغت	دینداری	اعتقاد به خرافات و سحر و جادو
پائولو کوئلیو	ضریب همبستگی	۰/۲۹۸**	-۰/۱۸۶**	-۰/۲۵۴**	۰/۱۹۲**
شیطان‌پرستی	ضریب همبستگی	۰/۳۹۱**	۰/۰۳۵	-۰/۲۱۲**	۰/۲۷۳**
سای‌بابا	ضریب همبستگی	۰/۲۱۶**	-۰/۰۰۶	-۰/۰۵۱	۰/۱۷۲**
اکنکار	ضریب همبستگی	۰/۱۸۹**	-۰/۰۸۹	-۰/۱۸۳**	۰/۲۴۱**
کاستاندا	ضریب همبستگی	۰/۲۶۱**	-۰/۱۰۹*	-۰/۱۹۴**	۰/۲۷۹**
تمایل به جنبشهای شبه‌دینی	ضریب همبستگی	۰/۳۸۰**	-۰/۱۱۲*	-۰/۲۱۸**	۰/۲۷۹**

۱. ** در سطح معناداری ۰/۰۱ و * در سطح معناداری۰/۰۵ معنادار است و تعداد نمونه میان۴۷۰ و ۵۶۰ است

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

۲. تحلیل مدل ساختاری میزان تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای نوین شبه‌دینی[۱]

پس از طی مراحل مختلف تدوین مدل معادلات ساختاری و اصلاح مسیرهای اثرگذاری متغیرهای مدل بر تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی، در نهایت مطلوب‌ترین مدل برای تبیین تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی تدوین شد. مدل ساختاری نهایی و برازش شده را داده‌های تحقیق در سطحی مناسب از نظریه‌ها و تحقیقات انجام شده حمایت کرده است و مدلی مناسب برای تبیین تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی محسوب می‌شود، زیرا اولاً کای‌اسکوئر مدل معنادار نیست و مقدار RMSEA نیز نزدیک صفر است. ثانیاً، AIC و CAIC مدل نسبت به مدلهای مستقل و اشباع مقادیر کمتری دارند. ثالثاً، شاخصهای برازش نسبی و مطلق در سطح قابل قبولی هستند. بنابراین می‌توان گفت که مدل معادلات ساختاری برازش شده مدلی مناسب برای تبیین تغییرات تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی است و این مدل توانسته به طور معناداری ۲۶ درصد از تغییرات آن را مورد تبیین قرار دهد(جدول۳).

جدول۳: شاخصهای برازش مدل نهایی و اصلاح شده معادلات ساختاری تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی

شاخصهای کلی		شاخص معیار اطلاعات		شاخص برازش نسبی		شاخص برازش مطلق	
ضریب تبیین R^2	۰/۲۶	AIC مدل	۲۹/۳۸	NFI	۰/۹۹	GFI	۱/۰
مقدار T	۱۶/۸۴	AICمدل مستقل	۲۱۷/۹۵	NNFI	۰/۹۸	AGFI	۰/۹۹
کای اسکویر	۲/۶۹	AICمدل اشباع	۳۰/۰۰	PNFI		PGFI	
درجه آزادی	۱/۳۸	CAIC مدل	۱۰۴/۲۲	CFI	۰/۰۹۹		۰/۰۶۷
RMSEA	۰/۰۲۶	CAIC مدل مستقل	۲۴۴/۶۸	IFI	۱/۰		
سطح معناداری	۰/۲۴	CAIC مدل اشباع	۱۱۰/۱۸	RFI	۱/۰		
					۰/۹۳		

مدل تدوینی برای تبیین تغییرات تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی نشان دهنده تأثیر معنادار متغیرهای بیرونی دینداری و کیفیت گذران اوقات فراغت و متغیرهای درونی میزان آگاهی از جنبشهای نوین و میزان اعتقاد به خرافات بر تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی است. نتایج حاصل از تحلیل ضرایب مسیر در مدل نشان می‌دهد که اثرات مستقیم همه متغیرهای مدل معنادار بوده است. در مدل ساختاری تدوین شده مهم‌ترین عاملی که تأثیر مستقیم آن در میان عوامل دیگر شایان توجه است، میزان آگاهی از جنبشهای شبه‌دینی به سبب تبلیغات این جنبشهاست. این متغیر سبب تقویت میزان تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی می‌شود(مدل ۱).

۱. تمایل به جنبشهای شبه دینی =y ، دینداری=x1 ، آگاهی از جنبشهای نوین= x2 ، اوقات فراغت= x3، اعتقاد به خرافات و سحر و جادو=x4

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

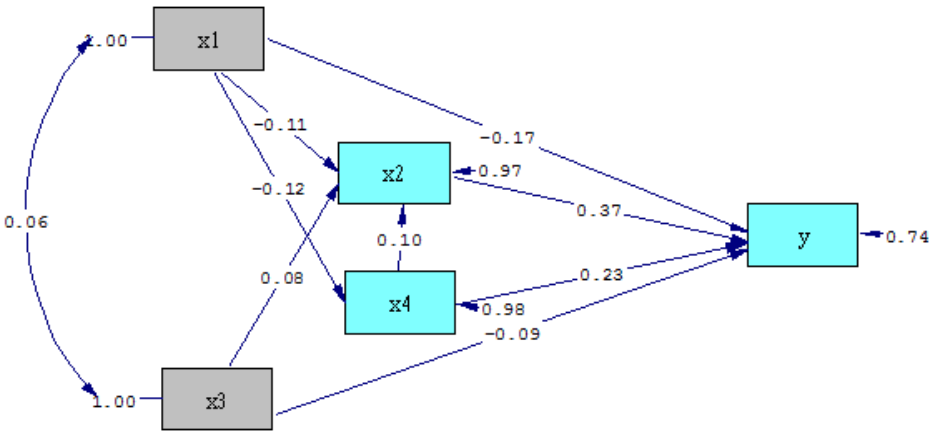
میزان اعتقاد به خرافات، سحر و جادو نیز عاملی مهم است که پس از میزان آگاهی از جنبشهای شبه‌دینی از لحاظ میزان تأثیرگذاری مستقیم در رتبه دوم قرار دارد. همچنین اثر مستقیم متغیرهای میزان دینداری و کیفیت گذران اوقات فراغت به صورت منفی بوده است. به این معنا که این دو عامل نقش کاهشی در تمایل دانش‌آموزان به این جنبشها ایفا می‌کنند.

بررسی اثرات غیرمستقیم متغیرهای مدل ساختاری نشان می‌دهد که بیشترین اثر غیر مستقیم به متغیر میزان دینداری تعلق داشته است. اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیر میزان دینداری بر میزان گرایش به جنبشهای شبه‌دینی منفی و معکوس بوده است. سایر متغیرها دارای اثر غیر مستقیم هستند لیکن این اثر با وجود معنادار بودن در حد ناچیز می‌باشد(مدل ۲).

در مجموع، اثر کل متغیرها در مدل نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیر مدل معادلات ساختاری میزان آگاهی از جنبشهای شبه دینی به سبب تبلیغات آنهاست، زیرا اثر کل آن بیشتر از دیگر متغیرها تخمین زده شده است. پس از این متغیر، به ترتیب میزان اعتقاد به خرافات، سحر و جادو و متغیر دینداری مهم‌تر بوده است(جدول۴).

جدول ۴: اثرات متغیرهای پژوهش بر میزان تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی

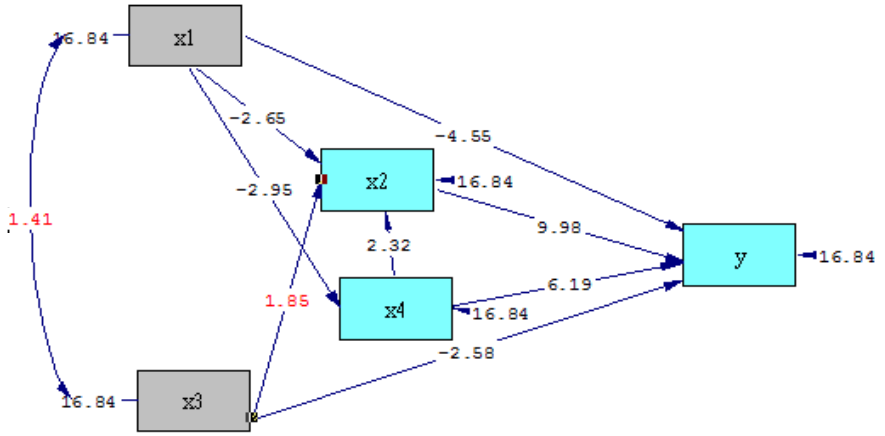
		متغیرها			
	ویژگیهای مدل	دینداری	گذران اوقات فراغت	آگاهی از جنبشها	اعتقاد به سحر و جادو
اثرات	اثر مستقیم	-۰/۱۷	-۰/۰۹	۰/۳۷	۰/۲۳
	اثر غیر مستقیم	-۰/۰۷	۰/۰۳	۰	۰/۰۳
	اثر کل	-/۲۴	-۰/۰۷	۰/۳۷	۰/۲۶



Chi-Square=1.38, df=1, P-value=0.23929, RMSEA=0.026

شکل ۱: مدل ساختاری نهایی تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه دینی با ضرایب بتا

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]



Chi-Square=1.38, df=1, P-value=0.23929, RMSEA=0.026

شکل ۲: مدل ساختاری نهایی تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه دینی با مقادیر T

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه از نتایج توصیفی پژوهش بر می‌آید این است که متوسط گرایش دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی ۲۵/۳ درصد بوده است. یعنی به ازای هر صد دانش‌آموز ۲۵ نفرشان به جنبشهای شبه‌دینی گرایش دارند. در این میان بالاترین میزان تمایل دانش‌آموزان در میان جنبشها به ترتیب به سای‌بابا و اکنکار و پایین‌ترین نیز به پائولو کوئلیو و کاستاندا تعلق داشته است.

نتایج استنباطی پژوهش حاکی از آن است که میزان شناخت و آگاهی یکی از عواملی است که با تمایل به جنبشهای شبه‌دینی ارتباط معنادار دارد. بالارفتن میزان شناخت و آگاهی دانش‌آموزان از چنین جنبشهایی منجر به افزایش تمایل دانش‌آموزان به آنها خواهد شد. البته، خاطرنشان می‌سازد که آگاهی و شناختی که بر اثر تبلیغات این گروهها در رسانه‌ها انجام می‌شود، سبب فراهم شدن زمینه برای تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی می‌شود نه آگاهی و شناختی که توأم با معرفی صحیح و نقد آنها باشد. نتایج تحقیق لطیفی و همکارانش(۱۳۹۲) نیز نشان داده است که آگاهی و شناخت از جنبشهای شبه دینی بر اثر تبلیغات آنها می‌تواند گرایش و تمایل افراد را به آنها تقویت کند. همچنین آنها ذکر کرده اند که میزان گرایش دانشجویان به عرفان حقیقی بیش از عرفانهای کاذب است. نتایج پژوهش کریمی(۱۳۸۹) نیز نشان داده است که بهترین و موثرترین راه مقابله با این گروه نقد این گرایش و بیان و توضیح آرا و اعمال آنان است. بنابراین می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر با تحقیقات قبلی همسو بوده است. همسویی نتایج این پژوهش با تحقیقات قبلی

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

نشان می‌دهد که شناخت و آگاهی کاذب از جنبشهای نوین شبه‌دینی به دلیل تبلیغات رسانه ای از سوی رهبران این جنبشها سبب می‌شود که گرایشها و نگرشها نسبت به آنها مثبت باشد و زمینه برای ورود به آنها هموار شود. در مقابل اگر منبع شناخت و آگاهی منبعی بی‌طرف باشد و اطلاعات درستی به مخاطب منتقل کند به احتمال زیاد از تمایل دانش آموزان به این جنبشها کاسته می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت منبع شناخت و آگاهی در زمینه تمایل دانش آموزان به جنبشهای شبه‌دینی اهمیت بسیار دارد.

تحلیل همبستگی و نتایج مدل‌سازی نشان داد که کیفیت گذران اوقات فراغت در تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای نوین شبه‌دینی تأثیر معکوس و منفی داشته است. به عبارت دیگر، اگر گذران اوقات فراغت دارای کیفیتی منبعث از مؤلفه‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی جامعه باشد، سبب کاهش نفوذ چنین جنبشهای شبه‌دینی در آنها خواهد شد. پارسونز (۱۹۶۴، به نقل از رابرتس، ۱۹۹۰) معتقد است که در یک ساخت اجتماعی تمایزیافته، اعمال، ارزشها و هنجارهای نهاد دین صرفاً به صورت غیرمستقیم به دیگر نهادها، مانند اقتصاد، آموزش و اوقات فراغت منتقل می‌گردد. لذا می‌توان گفت که دین تعیین‌کننده کیفیت گذران اوقات فراغت انسانها است. براساس آنچه پارسونز ذکر کرده است، دین سکولارشده موجب تغییر در کیفیت گذران اوقات فراغت می‌شود. اما آنچه نتایج پژوهش نشان می‌دهد این است که کیفیت گذران اوقات فراغت در جامعه دینی ایران سبب کاهش گرایش به جنبشهای شبه‌دینی می‌گردد، چیزی که در جوامع اروپایی به عکس بوده و فعالیتهای مذهبی به سبب فرآیند سکولاریسم، در کیفیت گذران اوقات فراغت تأثیر آنچنانی نداشته است. در جامعه ما به ویژه در جامعه دانش‌آموزی حضور مؤلفه‌های دینی در تنظیم کیفیت گذران اوقات فراغت کاملاً مشهود است. همچنین، طالبی و رمضانی تمیجانی(۱۳۹۵) یکی از گونه‌شناسی معنویتهای جدید را بر اساس سرگرمی و اوقات فراغت تقسیم‌بندی و ادعا کرده اند که در این گونه‌شناسی با کنشگرانی مواجه ایم که دارای اوقات فراغت گسترده‌اند و به رمانتیک کردن سبک زندگی خود، با فعلیت در آوردن خیال‌مندی و کاربست زیبایی‌شناسی در همه امور غیر مرتبط زندگی روزمره حتی ساده و پیش پا افتاده‌ترین آنها نیاز دارند تا به زندگی خود تازگی دوباره ببخشند. دین، معنویت و متافیزیک نیز از این قاعده مستثنی نیست. مخاطبان رمانها و متون عرفان‌گرا چون تألیفات پائولو کوئلیو از این دسته‌اند. بر همین اساس، می‌توان گفت که جنبشهای نوین شبه‌دینی از طریق مورد هدف قرار دادن اصل دین قصد دارند که اوقات فراغت مخاطبان خود را با تعالیم و اصول خود پر کنند و آنها را از پرداختن به فعالیتهای مبتنی بر دین و مذهب در

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

اوقات فراغت به صورتها و روشهای گوناگون دور کنند و فعالیتهای سکولار شده و مادی را جایگزین آنها نمایند.

دینداری نیز یکی از مهم‌ترین متغیرهای پژوهش است که تأثیر منفی و معکوس بر میزان گرایش دانش‌آموزان به جنبشهای شبه‌دینی داشته است. به این صورت که دانش‌آموزان دیندارتر در قیاس با دانش‌آموزان با دینداری سطح پایین‌تر، گرایش کمتری به جنبشهای شبه‌دینی از خود نشان داده اند. ریاحی و جعفری(۱۳۸۶) و لطیفی و همکاران(۱۳۹۲) نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافته اند. علاوه بر آنها، قنادزاده(۱۳۹۰) نیز زمینه‌های روانشناسانه مانند تمایلات مذهبی و تمنای رسیدن به آرامش را از دیگر عوامل زمینه‌ساز گسترش جنبشهای شبه‌دینی می‌داند. از نظر شفرز(۱۳۸۴)، پیدایش فرقه‌های مذهبی بیشتر به دلیل بی‌روحی فرهنگی جامعه سرمایه‌داری و جهت‌گیری مادی جامعه صنعتی مدرن بوده است. برگر(۱۹۸۰) نیز به زبان دیگر، شیوع چنین جنبشهایی را یکی از نتایج کلیدی در فرآیند سکولار شدن می‌داند. ماکس وبر از ناکامی و سرخوردگی جهان مدرن خبر می‌دهد و به زعم او، به موازات تجدد، اصل مادی‌گرایی در تمام جنبه‌های زندگی اصالت پیدا می‌کند و در نتیجه بحران دین‌زدایی را به همراه می‌آورد. در کل از نظر وبر حاکمیت عقلانیت ابزاری به جای عقلانیت ارزشی منجر به گسترش جنبشهای دینی جدید شده است. تضعیف ادیان اصیل در جهان مدرن زمینه را برای گسترش جنبشهای شبه‌دینی فراهم کرده است. چیزی که در نظریه‌های جامعه‌شناسان و نتایج تحقیقات قبلی و همچنین در پژوهش حاضر بدان مهر تأیید گذاشته شده است. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان ادعا نمود که نفوذ جنبشهای شبه‌دینی در جامعه دینی ما به ویژه در میان جامعه دانش‌آموزی به آسانی جوامع سکولار نیست.

موسیقی و ترویج سحر و جادو از راههای اساسی عضوگیری جنبشهای نوظهور به ویژه برای جذب جوانان به شمار می‌روند. طبق ادعای بنیان‌گذاران جنبشها، خرافه گرایی، اعتقاد به سحر و جادو و موسیقی‌گرایی مهم‌ترین ابزارها برای نفوذ در میان مردم و جوانان است. چیزی که در پژوهش حاضر نیز به تأیید رسیده است. نتایج پژوهش نشان داد که میان اعتقاد به سحر و جادو و میزان گرایش به جنبشهای نوین شبه‌دینی ارتباط مستقیم و مثبت وجود دارد. دانش‌آموزانی که به فال‌بینی، طالع‌بینی، سحر و جادو اعتقاد دارند بیشتر در معرض این جنبشها قرار می‌گیرند. براساس تحقیق مظاهری سیف(۱۳۸۹) در فرآیند تکامل شیطان‌پرستی نخستین پرده‌برداری ترویج و شیوع سحر و جادو است و پرده‌برداری پنجم، سینمای شیطانی است که ایدئولوژی شیطان‌گرایی را در

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

سراسر جهان تبلیغ کرده و پرده‌ای جادویی را بر ذهن جهانیان انداخته است. همچنین ملتون(۱۹۹۹) در تقسیم‌بندی از معنویتهای نوظهور آنها را بر اساس چرایی و چگونگی شکل‌گیری به هشت‌گونه دسته‌بندی کرده است. یکی از گونه‌های هشتگانه ملتون ادیان جادویی است. ادیان جادویی ادیانی هستند که با محوریت پذیرش سحر و جادو شکل گرفته‌اند. استارک و بین‌بریج(۱۹۸۷) از معنویتهایی نام می‌برند که به صورت غیررسمی فعالیت می‌کنند و با نوع خفیفی از اسطوره، سحر و جادوگرایی درگیر می‌شوند. بنابراین نظریه‌ها و تحقیقات قبلی همچون نتایج پژوهش حاضر بر تأثیر اعتقاد به جادو و خرافات در نفوذ جنبشهای شبه‌دینی اذعان کرده‌اند. جامعه‌ای که در آن سحر و جادو و خرافات جایگاهی ویژه داشته باشد، جامعهٔ هدف این جنبشها خواهد بود، زیرا یکی از مهم‌ترین راههای نفوذ و اصول بنیادین این جنبشها سحر و جادوست. در مجموع آنچه از تبیین یافته‌های پژوهش حاضر بر می‌آید این است که میزان شناخت نسبت به این جنبشها، کیفیت‌گذران اوقات فراغت، میزان دینداری و اعتقاد به سحر و جادو از دلایل تمایل دانش‌آموزان به جنبشهای شبه دینی به شمار می‌روند.

پیشنهادها

برای مقابله با گسترش جنبشهای شبه‌دینی در جامعه، به ویژه در میان دانش‌آموزان پیشنهادهایی ارائه می‌شوند که عبارت اند از:

- برای افزایش شناخت و آگاهی صحیح دانش‌آموزان از این جنبشها، به طور مستمر در رسانه‌های نوین و شبکه‌های مجازی آگاهی لازم داده شود و سایتهایی آگاهی‌دهنده و هشداردهنده به دانش‌آموزان در زمینه تله‌های پهن شده در فضای مجازی برای تضعیف اعتقادات آنها به دین اسلام و جایگزینی تدریجی اندیشه‌های دروغین طراحی شوند. همچنین، اگر نهادهای فرهنگی، به ویژه آموزش و پرورش بازیهایی را با مضمون هویت دینی اصیل و منطبق با فرهنگ ایرانی (قابل نصب در تبلتها و موبایلها) طراحی کنند و نیز فیلمهای مستندی را برای معرفی این جنبشها تدوین و آنها را در اختیار خانواده‌های دانش‌آموزان قرار دهند، دور از فایده نخواهد بود.
- انجام اعمال دینی مانند خواندن نماز، گرفتن روزه، شرکت در مجالس دینی، اعتقاد به خداوند و روز جزاء می‌تواند مانند سپری دانش‌آموزان را در برابر جنبشهای شبه‌دینی بیمه کند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

- برای کاهش اعتقاد به خرافات، سحر و جادو که یکی از عوامل زمینه‌ساز گرایش به جنبشهای شبه دینی است تقویت تفکر و خردورزی صحیح، تحلیل درست مسائل و بصیرت دهی به مردم در زمینهٔ جنبشهای شبه دینی از طریق برگزاری کارگاههای آموزشی و همایش، تألیف مقاله و کتاب، برگزاری سخنرانی در محافل گوناگون و نقد افکار و اعتقادات این جنبشها ضروری به نظر می‌رسد.
- برنامه‌ریزی دقیق و مستمر برای گذران اوقات فراغت دانش آموزان از سوی نهادهای فرهنگی مانند برگزاری اردوهای علمی‌تفریحی، کلاسهای مهارت‌آموزی، مسابقات ورزشی و کتاب‌خوانی می‌تواند در پیشگیری از گرایش دانش‌آموزان به این جنبشها مؤثر باشد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

منابع

اکبری، فضه. (۱۳۹۱). *تحلیل محتوای تطبیقی آموزه‌های اجتماعی عرفان‌های هندی و سرخ‌پوستی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا.

دهستانی مهدی؛ زاده محمدی، علی و محمدی، سمیه. (۱۳۹۱). بررسی میزان دینداری و ارتباط آن با سبک‌های هویتی دانشجویان. *مجله علوم رفتاری، ۶* (۲)، ۱۷۱-۱۷۹.

ریاحی، محمد اسماعیل و جعفری، زین العابدین. (۱۳۸۸). بررسی همبسته‌های اجتماعی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران به جنبشهای‌دینی جدید. *مجله جامعه شناسی ایران، ۱۰* (۲)، ۵۵-۸۶ .

سراج زاده، سید حسین. (۱۳۸۳). *چالشهای دین و مدرنیته*. تهران: انتشاران طرح نو.

شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۱). *عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

شریعتی سبزواری، محمدباقر. (۱۳۸۹). شیطان‌پرستی در نگاه تاریخی. *فصلنامه معارف اسلامی*، ۲۹ (۸۱)، ۱-۷.

شفرز، برنهارد. (۱۳۸۴). *مبانی جامعه شناسی جوانان*، ترجمه کرامت الله راسخ. تهران: نشر نی.

طالبی، ابوتراب و رمضانی تمیجانی، صدیقه. (۱۳۹۵). گونه‌شناسی معنویت گرایان جدید. *راهبرد فرهنگ*، ۹(۳۵)، ۲۰۳-۲۳۳.

علی‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۰). فرقه های نوظهور شیطان پرستی. *مجله سربار*، ۳۲ (۱۸۰)، ۳۹-۴۱.

قنادزاده، انیسه. (۱۳۹۰). *علل گرایش به جنبش‌های شبه معنوی در دوره معاصر*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده الهیات.

کریمی، حمید. (۱۳۸۹). شناخت و نقد گروه کلیسای شیطان. *فصلنامه معرفت، ۱۹*(۲)، ۱۰۹-۱۳۱.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.

لطیفی، زهره؛ عبداللهی، عظیمه؛ صادقی، حمیدرضا و استکی آزاد، نسیم. (۱۳۹۲). ارتباط بین هوش معنوی، آگاهی و گرایش‌های عرفانی در بین دانشجویان. *فصلنامه مطالعات معنوی*، (۷)، ۹۹-۱۱۳.

لوتران، ماری کلود.(۱۳۷۲). بحران معنویت در جهان غرب و بازگشت مجدد به مذهب. ترجمه بهجت یزدخواستی، *جامعه شناسی کاربردی، مجله علمی -پژوهشی دانشگاه اصفهان*، (۵)، ۱-۱۴.

مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۸۹). نگاهی تاریخی به پدیده شیطان پرستی. *رشد آموزش قرآن، ۸* (۱)، ۴۶-۵۱.

مهدی‌زاده، محمدرضا. (۱۳۸۳). عرفان از منظر جامعه شناسی. در *مجموعه مقالات عرفان، پلی میان فرهنگ ها* (۸۲-۹۴). تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

وبر، ماکس. (۱۳۸۲). *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ویلم، ژان پل. (۱۳۸۲). *جامعه شناسی ادیان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: موسسه انتشاراتی تبیان.

هجل، لاری ای و زیگلر، دانیل جی. (۱۳۷۹). *نظریه‌های شخصیت: مفروضه های اساسی، پژوهش و کاربرد*، ترجمه علی عسگری. ساوه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

هریس، تامس. (۱۳۶۹). *وضعیت آخر*، ترجمه اسماعیل فصیح، چاپ هفتم. تهران: نشر نو.

هینلز، جان راسل. (۱۳۸۶). *فرهنگ ادیان جهان*، گروه مترجمان با سر ویراستاری عسکری پاشایی. تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

یزدانی مقدم، احمد رضا. (۱۳۸۴). سکولاریسم و سکولاریزاسیون. *فصلنامه علوم سیاسی*، ۸ (۴)، ۷۵-۹۶.

Ababou, M. (2005).The impact of age, generation and sex variables on religious beliefs and practices in Morocco. *Social Compass*, *52*(1), 31-44.

Gorski, P.S. (2000). Historicizing the secularization debate: Church, state, and society in late medieval and early modern Europe, CA. 1300 to 1700. *American Sociological Review*, *65*(1), 138-167.

Inoue, N. (2000). From religious conformity to innovation: New ideas of religious journey and holy places. *Social Compass, 47*(1), 21–32.

McGuire, M.B. (1981). *Religion: The social context*. Belmont, California: Wadsworth Publishing Co.

Melton, J. G. (1999).*The rise of the study of new religions*. A paper presented at CESNUR99, Bryn Athyn, Pennsylvania, preliminary version.

Roberts, K.A. (1990). *Religion in sociological perspective*. Belmont, California: Wadsworth Publishing Co.

Rothstein, M. (1996). Patterns of diffusion and religious globalization: An empirical survey of new religious movements. *Temenos*, *32*,195-220.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1397.15.1.5.3]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]